

ایران و عراق بعد از داعش



با تسلط نیروهای عراقی بر شهر موصل، یکی از مراکز مهم خلافت داعش فروپاشید، این روند با تصرف «رقه» در سوریه می‌تواند شتاب بیشتری بگیرد و تا حدودی به حیات این گروه تروریستی در منطقه خاتمه دهد.

به گزارش آران نیوز: روزنامه شرق در یادداشتی به قلم محمدعلی عسگری، نوشته است: کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند داعش با ازدست‌دادن این دو مرکز ممکن است فعالیت‌های انتقام‌جویانه خود را به صورت سلول‌های انفرادی دنبال کند؛ اما بعضی با این برداشت مخالف هستند و برعکس می‌گویند ازدست‌دادن این دو مرکز مهم به معنای مرگ این گروه تروریستی دست‌کم در دو کشور عراق و سوریه و حتی فراتر از آن در کل منطقه خاورمیانه خواهد بود.

می‌دانیم که داعش برخلاف القاعده تفکری مبتنی بر «خلافت» داشت و برای برپایی چنین خلافتی باید «سرزمینی» را در اختیار می‌گرفت؛ ازدست‌دادن سرزمین به معنای از بین رفتن آن خلافت خواهد بود و اگر داعش نتواند چنین سرزمینی را فراهم کند، اثری از خلافتش نیز باقی نخواهد ماند.

در یک خبر تأیید نشده گفته شد بعضی از نیروهای داعش از اینکه در موصل شکست خوردند، به شدت افسرده شده‌اند و حتی گفته‌اند به‌همین دلیل دیگر نماز و روزه و بعضی واجبات دینی خود را انجام نخواهند داد، زیرا به گفته آنها «خدا یاری‌شان نداد و در نبرد موصل که بی‌شبهت به نبرد بدر نبود، فرشتگانی را برای یاری‌شان نفرستاد!». آنها حتی مسجد النوری را برای این تخریب و موصل را به ویرانه‌ای مبدل کردند که در باورشان آنها «لیاقت خلافت!» را نداشتند.

شاید این خبرها خنده‌دار و مضحک باشد، اما به نکته‌های مهمی اشاره می‌کند و آن تردید و تشکیک در باورهای اعتقادی پیروان این گروه تروریستی است که می‌تواند در آینده منجر به شکاف‌ها و گسل‌هایی در درون این گروه شود. گفته می‌شود داعش هنوز مناطقی در لیبی، افغانستان و به‌ویژه آسیای مرکزی را در اختیار خود دارد و به این وسیله خواهد توانست مرکزیت خلافت خود را به یکی از این مناطق منتقل کند. داعش همچنین در بعضی نقاط عراق (تل‌عفر، حویجه و سواحل فرات) یا سوریه (رقه و به‌ویژه دیرالزور) حضور دارد؛ اما این مناطق در معرض تهدید هستند و ممکن است به‌زودی آنها را نیز از دست بدهد.

در مجموع با جمع‌شدن بساط داعش از دو کشور سوریه و عراق می‌توان امیدوار بود که خطر این اختاپوس تا حدود زیادی از این منطقه دور شود و حضورش را باید در سایر نقاط جهان شاهد بود. پرسش مهمی که در اینجا به آن پرداخته می‌شود این است که عراق بعد از داعش چگونه خواهد بود؟ جواب تقریباً روشن است. عراق بعد از داعش به همان شکلی خواهد بود که پیش از داعش بود. می‌دانیم که عراق از سال ۲۰۰۳ دوران بی‌ثباتی و آشوب را تجربه می‌کند.

اشغال عراق از سوی نیروهای یک ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا چالشی را در این کشور به وجود آورد که به کمک بعضی از کشورهای منطقه نیز دامن زده شد.

حاصل این چالش سربازکردن شکاف‌های قومیتی، مذهبی و سیاسی بود و این کشور را در چرخه‌ای از آشوب، ترور، جنگ داخلی، ناامنی‌های گسترده و فساد و اختلاس و ناکارآمدی نهادهای دولتی و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی فروبرد و این همه بستری شد برای دخالت‌های بیشتر خارجی و بروز و ظهور گروه‌های تروریستی رنگارنگ از ابتدا تاکنون. داعش یکی از محصولات همین آشفتگی و هرج‌ومرج بود که بر شدت و ویرانی آن می‌افزود. ابوبکر البغدادی ابتدا کار خود را با تعدادی از بعثی‌های رانده‌شده از عراق شروع کرد، بعثی‌هایی که به سوریه گریخته بودند و در آنجا سازمان‌دهی شدند. فرماندهان بزرگ داعش را همین بعثی‌ها تشکیل می‌دادند که اساساً فاقد یک خمیرمایه مذهبی بودند و بعدها با گردن‌نهادن بر تفکرات سلفی امثال البغدادی خلافتی موهوم را وعده می‌دادند.

از بین رفتن داعش یک‌بار دیگر عراق را به همان شرایط گذشته بازمی‌گرداند. البته با کسب تجارب بیشتر و توانمندی‌های جدیدتر (این بخش امیدوارکننده قضیه است). از سویی در نبرد با داعش نیروهای مختلفی مشارکت داشتند و همیشه بعد از پیروزی است که سهم‌خواهی‌ها شروع می‌شود و این می‌تواند شروع روند تازه‌ای در درگیری‌های سیاسی و حتی نظامی در آینده باشد. دولت حیدر العبادی در مبارزه با داعش برخلاف دولت نوری المالکی کارنامه بهتری داشت و به نظر می‌رسد با همین پشتوانه بتواند برای یک دور دیگر نخست‌وزیر عراق باقی بماند.

او البته برای بازسازی ویرانی‌های برجای‌مانده با دشواری‌های متعددی مواجه خواهد بود که هیچ راهی جز جذب سرمایه و کمک‌های خارجی ندارد. از آن گذشته مسئله همه‌پرسی استقلال کردستان دامی است که از هم‌اکنون پیش پای بغداد تنیده شده و می‌تواند منشأ درگیری‌های جدیدی باشد. مسئله سهم‌خواهی و هویت‌طلبی سنی‌های عراق هنوز حل نشده است و حمایت کشورهای عرب و به‌ویژه ترکیه از آنها نیز به این انگیزه‌ها دامن می‌زند. سایر جریان‌ها نیز ممکن است ادعاهایی داشته باشند. باید دانست مهم‌ترین نیاز مبرم عراق بعد از داعش «همبستگی ملی» است. آمریکایی‌ها طبق گفته‌های ترامپ و مقامات دولتش تمایل دارند حتی بعد از داعش نیز در این کشور باقی بمانند.

ترامپ حتی در دوران نامزدی وعده «اخراج ایران از عراق» را داده بود و دنبال‌کردن چنین سیاست‌هایی می‌تواند برای ایران و عراق دردسرساز باشد. تنها کسی که می‌تواند به معنای واقعی کلمه در برابر زیاده‌خواهی آمریکایی‌ها و دیگران بایستد، یک

دولت مقتدر ملی در عراق است. ایران باید مراقب نقش خود در آینده عراق باشد. یک نگاه بلندمدت و دیپلماتیک به ما می‌گوید توسعه، امنیت، ثبات سیاسی و همزیستی مذهبی عراق همه به نفع ایران خواهد بود. عراق هم می‌تواند الگویی از یک دولت شیعی موفق در جهان عرب را به نفع ایران به نمایش بگذارد. همچنین این کشور می‌تواند با ثبات و امنیت خود به ایران نیز امنیت و ثبات ببخشد. نیازی به ولخرجی‌های آن‌چنانی یا بذل و بخشش‌های بی‌حساب و کتاب نیست. ایران حتی می‌تواند برای اقوام و گروه‌های مذهبی غیرشیعه عراق مرجعیت داشته باشد و نقشی کدخدانمنشی را در حل منازعات داخلی این کشور بازی کند. البته لازمه همه اینها داشتن نگاهی فراگیر و درازمدت است.